

مروری بر نکات فقهی مطالبه‌گری و عدالتخواهی

بر مبنای تحریر الوسیله امام خمینی

رقیه فاضل

”مسأله امر به معروف و نهی از منکر، مثل مسأله نماز است.
یادگرفتنی است.

باید بروید یاد بگیرید.

مسأله دارد

“ که کجا و چگونه باید امر به معروف و نهی از منکر کرد؟

مقام معظم رهبری ۲۲/۴/۷۱

■ جناب عدالتخواه دانشجویی

البته امر به معروف و نهی از منکر حوزه‌های گوناگونی دارد

که باز مهمترینش حوزه مسؤولان است؛

یعنی شما باید ما را به معروف امر، و از منکر نهی کنید.

مردم باید از مسؤولان، کار خوب را بخواهند؛

آن هم نه به صورت خواهش و تقاضا؛

بلکه باید از آنها بخواهند

این مهمترین حوزه است.

البته فقط این حوزه نیست؛ حوزه‌های گوناگونی وجود دارد.



جناب عدالتخواه دانشجویی

www.edalatkhahi.ir

info@edalatkhahi.ir

۰۲۱۸۸۹۳۸۸۲۱



مقدمه

در میان علوم اسلامی، علم فقه از گذشته تا کنون مهم‌ترین جایگاه بحث امر به معروف و نهی از منکر بوده است، و فقها آن را یکی از مباحث فقهی برشمرده و درباره آن بحث کرده‌اند. امر به معروف و نهی از منکر در کتب فقهی معمولاً در کتاب "الامر بالمعروف والنهی عن المنکر" یا بابتی از کتاب "الجهاد" و یا بابتی از کتاب "الحدود" آمده است.

مباحث عمده مطرح شده در کتابهای فقهی در این مسئله، اهمیت امر به معروف و نهی از منکر با نقل روایات، تعریف معروف و منکر و اقسام آن، کیفیت وجوب عقلی یا سمعی، عینی یا کفایی، اقسام امر و نهی، شرایط وجوب امر و نهی، مراتب سه گانه امر و نهی، اجرای حدود در زمان غیبت، قضاوت فقها و رجوع به قاضیان جور بوده است. (امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی، دفتر بیست و یکم تبیان)

امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان حکمی که موجب برپایی واجبات، بقای دین و گرفتن حق ستم‌دیده از ستمگر می‌شود، تنها در امور فردی و امر و نهی مردم نسبت به مردم خلاصه نشده؛ و شامل امر و نهی مردم نسبت به مردم، مردم نسبت به مسئولین و مسئولین نسبت به مردم می‌باشد.

در حوزه امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به مسئولین در جامعه اسلامی، که آن را عدالتخواهی و مطالبه‌گری می‌نامیم، متأسفانه پژوهشهای دینی زیادی انجام نشده است و آنچه در میان منابع اسلامی وجود دارد، بیشتر در فضای حاکمیت حاکمان جور است که با استناد به قیام عاشورا، اهمیت و لزوم قیام را اثبات کرده‌اند. اما مطابق با تکلیف فقهی که به عنوان مکلف به عهده داشته و امری که مقام معظم رهبری برای یادگیری مسائل فقهی این اصل نموده‌اند، نویسنده جسارت کرده و با مراجعه به کتاب تحریر الوسیله امام روح الله، برخی مبانی مطالبه‌گری و عدالتخواهی را برداشت کرده است. پر واضح است که این نوشتار و اساساً مسئله مطالبه از مسئولین در جامعه اسلامی، نیازمند ورود جدی علمای حوزه علمیه است تا در عدم حضور مبانی دینی، عده‌ای با توجه به فطرت عدالتخواه بشر، اقدام به تقلب اصول و اساس ساختگی و فارغ از دین برای این امر خطیر ننمایند.

تذکر: بندهایی که با علامت * شروع شده‌اند از تحریر الوسیله نقل شده‌اند.



هرچند که در جلوگیری حرامی که ظلمه مرتکب می‌شوند اثر نداشته باشد.

* اگر سکوت علماء دین رؤساء مذهب (اعلی الله کلماتهم) باعث آن شود که مردم نسبت به ایشان سوءظن پیدا کنند و حرمتشان هتک گردد و مردم نسبت کارهایی به آنان بدهند که انتسابشان به آن‌ها صحیح و جائز نیست مثلاً (نعوذ بالله) آنان را اعوان ظلمه بخوانند واجب است بر آنان ظلمه را نهی از منکر نموده ننگ و عار را از ساحت خود دور سازد، هرچند که نهی آنان هیچ اثری در رفع ظلمه نداشته باشد.

از انقلابی‌ها و نهادهای انقلابی، انتظار بیشتری داشته باشید!

امام روح الله خود به امر به معروف و نهی از منکر علما و روحانیون، بسیار اهتمام داشته و همچنین در مقام فقهی امر به معروف و نهی از منکر نیز معتقدند که این امر و نهی، از شریف‌ترین اوامر و نواهی است. چرا که ایشان الگو و قوت هستند برای عمل مسلمین. می‌توان از این امر نتیجه گرفت که در میان دستگاهها و نهادهای اجتماعی نیز، نهادهای انقلابی، از آنجا که بیشتر از سوی مردم مورد انتظارتند و لغزش آنان بیشتر باعث ضعف اعتقادی خواهد شد، اولی هستند در اهتمام به امر و نهی شان.

* از بزرگترین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر و شریفترین و لطیفترین و مؤثرترین آن در نفوس مخصوصاً اگر علماء دین و رؤساء مذهب (اعلی الله کلماتهم) مباشر آن باشند، امر به معروف و نهی از منکر کسانی است که اهل معروف باشند و به عمل به واجبات و مستحب دین شناخته شده باشند، کسانی که خود از منکرات و بلکه از مکروهات دوری می‌کنند و به اخلاق انبیاء و روحانیین متخلق باشند و خود را از اخلاق سفیهان و اهل دنیا منزّه بدانند، به طوری که عمل و زی و اخلاق آنان خود آمر به معروف و ناهی از منکر و الگو برای مردم باشد، و اما اگر (العیاذ بالله) برخلاف این باشند و مردم عالم دین را که مدعی جانشینی انبیاء و زعامت امتند را ببینند که به گفته‌های خود عمل نمی‌کند طبعاً رفتار او باعث ضعف عقیده مردم و جرئت یافتن آنان بر معاصی و بدگمان شدنشان به سلف صالح می‌شود، پس بر علماء و مخصوصاً رؤساء مذهب واجب است از مواضع تهمت دوری کنند، و بزرگترین موضع تهمت تقرب به سلاطین جور و رؤساء ظلمه است، و بر امت اسلامی است که اگر به عالمی اینطوری برخورد کردند اگر احتمال صحت می‌دهند عمل او را حمل بر صحت کنند و الا از او اعراض نموده او را از خود برانند چون چنین فردی روحانی نیست و تنها به لباس روحانیت درآمد، شیطانی است که رداء علماء را به تن کرده، پناه می‌بریم به خدا از شری که چنین افراد برای اسلام دارند.

این جزوه، تفصیل یافته‌ی مقاله‌ای است که در شماره ۵۳ ماهنامه راه، با همین عنوان به چاپ رسیده بود

سکوت علما در برابر منکرات جامعه است. تا آنجا که در برخی موارد بررسی احتمال تاثیر از جانب مکلف را در وجوب امر به معروف و نهی از منکر کنار می‌گذارند. مواردی چون: آنجایی که هتک اسلام و تضعیف عقاید مسلمین باشد؛ آنجا که با سکوت علما، معروف‌ها منکر شناخته شود و منکرها معروف؛ آنجا که مردم از سکوت علما، تقویت و تایید ظالم را برداشت کنند؛ آنجا که سکوت باعث جری شدن عامل در انجام دیگر منکرات و یا اهمال در دیگر واجبات شود و آنجا که در جامعه نسبت به علما سوء ظن بوجود بیاید که علمای اسلام، همانها که پناهگاه و ملجاء محرومین و مستضعفین بوده اند، اعوان دستگاه ظلم گشته‌اند.

به نظر می‌آید که واژه علمای دین و روسای مذهب در این فتاوا، حصر نبوده و علم را باید به صورت درجات و مراتب دید؛ و کسی نمی‌تواند به این بهانه که علمای دین کسانی دیگرند و با توجیه شکست نفس، خود را از این احکام مبرا بداند.

* اگر بدعتی در اسلام پدید آید و سکوت علماء دین و رؤساء مذهب (خدا منطلقشان را بر هر منطقی دیگر غالب سازد) باعث هتک اسلام و ضعف عقاید مسلمین گردد واجب است به هر وسیله‌ای که برایشان ممکن است از آن بدعت نهی کنند، چه اینکه نهی آنان و انکارشان مؤثر در ریشه کن شدن فساد باشد و چه نباشد، و همچنین اگر سکوت آنان از انکار منکرات باعث این هتک حرمت شود و در اینگونه موارد مسئله ضرر و حرج در نظر گرفته نمی‌شود بلکه باید مسأله اهم و مهم رعایت شود.

* اگر در سکوت علماء دین و رؤساء مذهب (اعلی الله کلماتهم) خوف آن باشد که منکر معروف و یا معروف منکر شود واجب است بر آنان علم خود را اظهار کنند و سکوت برای آنان جائز نیست هر چند که یقین داشته باشند که انکارشان هیچ تاءثیری در فاعل آن ندارد، در اینجا نیز که مسئله مورد اهتمام جدی شارع اقدس است ملاحظه ضرر و حرج نمی‌شود.

* اگر سکوت علماء دین و رؤساء مذهب (اعلی الله کلماتهم) موجب تقویت ظالم و (العیاذ بالله) تاءیبید او باشد سکوت بر آنان حرام است و واجب است برایشان که علم خود را اظهار کنند هر چند بدانند که در برطرف نمودن ظلم او اثر ندارد.

* اگر سکوت علماء دین و روسای مذهب (اعلی الله کلماتهم) باعث آن شود که ستمکاران در ارتکاب سایر محرمات و پدید آوردن بدعت‌ها جری شوند سکوت آنان حرام و انکارشان واجب است

لزوم آموختن شرایط امر به معروف و نهی از منکر

* آموختن شرایط امر به معروف و نهی از منکر و موارد وجوب و عدم وجوب و جواز و عدم جواز آن واجب است تا اینکه شخص در انجام این دو وظیفه الهی خویش دچار منکر و خلاف شرع نگردد.

لزوم ایجاد تشکل و همکاری در جبهه انقلاب اسلامی برای عدالتخواهی

در قیام به امر به معروف و نهی از منکر، اصل اساسی قیام لله است که باید برای از بین بردن منکر، فردی و جمعی قیام کرد. کفایتی بودن وجوب امر به معروف و نهی از منکر، قیام تا رسیدن به نتیجه و موفقیت در اجرای معروف و ترک منکر را هدف قرار داده و بر همکاری در جبهه انقلاب و ایجاد اجتماعات مومنین تاکید می‌کند.

* اگر اقامه فریضه‌ای و یا ریشه‌کن ساختن منکری منوط به اجتماع عده‌ای باشد که همگی امر و یا نهی کنند با اجتماع چند تن، واجب از عهده بقیه ساقط نمی‌شود مگر زمانی که به قدر کفایت اجتماع حاصل شده باشد.

* اگر عده‌ای کمتر از مقدار کفایت جمع شوند و بقیه جمع نشوند و اقدام کننده به امر به معروف و نهی از منکر نتواند آنان را جمع کند وجوب از او ساقط می‌شود و گناه به گردن تخلف‌کنندگان است.

* اگر شخصی و یا اشخاصی قیام به انجام وظیفه نمودند ولی کاری از پیش نبردند و لکن احتمال می‌رود که اگر دیگران نیز همکاری کنند مؤثر واقع شود، بر آنان واجب است که در صورت اجتماع شرایط، همکاری بنمایند.

شناخت و رعایت اولویت‌ها در معروف و منکر

در مسئله مطالبه‌گری و عدالتخواهی، مسئله‌ای که معمولاً عدالتخواهان با آن برخورد می‌کنند، اهم و مهم کردن امور و رتبه‌بندی و ضریب دادن به آنهاست. همانگونه که دین، خود نظامی است که بر اصول و فروعی برپا شده و اهمیت برخی امور بیشتر از برخی دیگر است، در قیام برای اقامه آن و اصلاح امور نیز نباید فارغ از این نظام عمل کرد.

* اگر اقامه فریضه‌ای یا ریشه‌کن ساختن منکری متوقف بر ارتکاب حرام یا ترک واجبی باشد

ظاهراً بایستی ملاحظه کند کدامیک مهمتر است آنرا انجام دهد.

* اگر قادر بر یکی از دو واجب باشد یا امر به فلان معروف و یا نهی از فلان منکر، باید ببیند که کدامیک مهمتر است آنرا انجام دهد و اگر هر دو مساوی بود مخیر است بین آن دو.

آنچه پس از قبول اصل رعایت اولویت‌ها در معروف و منکر مهم است، شناخت منبع این ضرب‌دادن هاست. چرا که اولویت‌ها را در جایی می‌توان رعایت کرد که موضوعات شناخته شده و در جایگاه خود درک شوند تا بتوان آنها را با هم مقایسه کرد و نسبت‌هایشان را با یکدیگر سنجید. از مهم‌ترین منابع شناخت اصول و فروع در جامعه اسلامی، اوامر رهبر جامعه است.

شناخت و مطالبه‌ی مطالبات رهبری

* اینکه شخص آمر و ناهی تشخیص این را داشته باشد که آنچه او می‌خواهد ترک کند معروف و آنچه می‌خواهد انجام دهد منکر است.

* در این معرفت و تشخیص فرقی نیست بین اینکه از راه قطع باشد یا از طریق معتبره شرعی دیگر، از روی اجتهاد و یا تقلید، بنابراین اگر دو نفر از مجتهدی تقلید می‌کنند که قائل است به اینکه نماز جمعه وجوب عینی دارد و آنگاه یکی از آن دو نماز جمعه را ترک کند، بر دیگری واجب است او را امر به معروف نماید و همچنین اگر هر دو از مجتهدی تقلید می‌کنند که آب انگور جوشیده به آتش را حرام می‌داند و یکی از آن دو آنرا می‌نوشد بر دیگری واجب است وی را نهی از منکر کند.

می‌توان در ادامه این بحث را بیان کرد که در امر به معروف و نهی از منکر مسئولین، از آنجا که مسئول را در جایگاه حقوقی‌اش امر و نهی می‌کنیم -چرا که اگر جایگاه حقیقی او مد نظر باشد، در سطح امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به مردم خواهد بود-، در مسائل حکومتی و اجتماعی، تعدد مراجع مقلدان در جامعه به کنار رفته و نظر حاکم شرع و رهبر جامعه اسلامی است که معروف و منکرها و ضرایب آنها را مشخص می‌کند.

شهید بهشتی در کتاب بایدها و نبایدها معتقدند: "شناخت برآیند نهایی معروف و منکر، خود شناخت اصلا در بسیاری از مسائل اجتماعی از توان فرد خارج است و باید در دایره وظایف رهبری امت قرار بگیرد. رهبری باید با شناختی بس وسیع و جامع، با توجه به بازده‌های آینده هر کار، با آینده‌نگری در حد ممکن، روی کارها حساب کند؛ روابط آنها را با هم در نظر بگیرد، آن وقت فرمان بدهد این کار را

نهیست نسبت به طرف مخصوص اثر ندارد اما نسبت به اصل شرب خمر به طور کلی یا فی الجمله اثر بعدی دارد.

* اگر بداند که امر به معروفش و یا نهی از منکرش نسبت به طرفی که معروف را ترک کرده و یا منکر را مرتکب شده هیچ اثری ندارد ولی نسبت به شخص دیگری که او نیز انجام داده اثر می‌گذارد به شرطی که خطاب را متوجه شخص او نکند بلکه متوجه مرتکب اول کند واجب است به منظور تأثیر در دیگری شخص مرتکب و یا تارک معروف اول را نهی از منکر و یا امر به معروف کند.

مطالبه برای مطالبه‌گری!

* اگر بداند که فلان شخص معین امر و نهیست در طرف مؤثر است نه امر و نهی خودش، واجب است به آن شخص امر کند که او، طرف را امر به معروف و نهی از منکر کند؛ البته در صورتی که بداند که وی با وجود شرائط تکلیف اهمال کرده است.

حتی اگر مطالبه باعث شود که مسئول کمی دست و پایش را جمع کند، مطالبه واجب است!

* اگر بداند و یا احتمال دهد که امر به معروفش و نهی از منکرش در کمتر شدن معصیت اثر می‌گذارد ولی آن را ریشه کن نمی‌سازد واجب است او را به معروف امر و منکر نهی کند، بلکه بعید نیست در صورتی هم که در تبدیل گناهی بزرگتر به گناهی کوچکتر مؤثر باشد واجب باشد، بلکه مخصوصاً در فرضی که گناه بزرگتر از گناهی باشد که مولی سبحانه و تعالی راضی به انجام آن نیست بدون اشکال واجب است.

* اگر احتمال دهد که نهی از منکرش این اثر را دارد که ارتکاب را تاخیر می‌اندازد اگر احتمال دهد که در صورت تعویق افتادن آن دیگر بعدها فاعل نمی‌تواند آنرا مرتکب شود، واجب است نهی از منکر بکند، و اما اگر چنین احتمالی در بین نباشد احتیاط در عمل به این وظیفه است بلکه بعید نیست و این فرض نیز واجب باشد.

توجیه عدم تاثیر، علما را ساکت نکند در مقابل منکرات

از مسائل مهمی که حضرت روح الله در کتاب امر به معروف و نهی از منکر بسیار بر آن تکیه دارند،

لازم به ذکر است که با شرایط بالا، لازم نیست که در همه موارد، از مرتبه پایین شروع کرد و با آزمایش تمامی مراحل به پیش رفت. در برخی موارد، که با تجربه اندوخته شده و یا هر چیز دیگری می‌دانیم که درجه پایین‌تر نتیجه نخواهد داد، از همان مرتبه که احتمال تأثیرش می‌رود شروع باید کرد.

* اگر بداند که جلوگیری از گناه و اداراسازی به انجام تکالیف با مرتبه اول حاصل نمی‌شود واجب است در صورت احتمال تأثیر پا به مرحله بعد بگذارد.

* اگر احتمال دهد که با ارشاد و موعظه به نرمی غرض حاصل می‌شود واجب است چنین کند و جائز نیست از آن تجاوز کند.

* اگر اجمالا بداند که انکار او به هر مرتبه‌ای که باشد موثر می‌افتد واجب است اول با مرتبه پایین‌تر نهی از منکر کند، اگر دید غرض حاصل نشد آنگاه به مرتبه بالاتر منتقل شود.

* اگر احتمال دهد که وقتی امر به معروف او مؤثر می‌شود که این چند مرتبه از مرحله اول یا چند مرتبه از مرحله دوم جمع کند، و یا بین همه مراتب مرحله اول و دوم جمع کند (و چنین جمعی ممکن هم باشد) و یا بین دو مرتبه جمع کند و آن نیز ممکن باشد، باید تا آنجا که ممکن است جمع کند، بنابراین اگر بداند که بعضی از مراتب مرحله اول هیچ اثری ندارد ولی اگر هم چهره خود را در هم بکشد و هم عبوس شود و هم از طرف قهر کند و هم زبانی او را نهی کند و این نهی زبانی را هم با خشونت و تهدید جفت نموده و علاوه صدا را هم بلند نموده او را بترساند و امثال این آن وقت احتمال تأثر دارد واجب است جمع کند.

مطالبه‌گری حتی با تأثیر گفتمان‌سازی

از نوآوری‌های مهم حضرت روح الله در امر به معروف و نهی از منکر، وسعت نگاه ایشان در شرط احتمال تأثیر است. تا آنجا که تأثیر در دیگران، تأثیر در آینده و کم شدن درجات منکر را نیز در احتمال تأثیر، بررسی می‌کنند. همان که مقام معظم رهبری با عنوان وظیفه گفتمان‌سازی عدالت و اثراثش، از آن یاد می‌کنند.

* اگر بداند که نهی از منکرش فعلا هیچ اثری ندارد ولیکن درآینده اثر می‌گذارد واجب است نهی از منکر را انجام دهد، و همچنین واجب است مرتکب را نهی کند از نوشیدن شراب در صورتی که بداند

بکنید. این می‌شود معروف. فرمان او نشانه‌ای است برای ما برای کشف این واقعیت که این کار بر روی هم معروف است.“

تمنا نه؛ امر!

* امر و نهی در این باب (از ناحیه آمر و ناهی) مولوی است هر چند که آمر پایین‌تر از کسی باشد که امر و یا نهی‌اش می‌کند، بنابر این در امر به معروف و نهی از منکر کافی نیست بگوید: خدا تو را امر به نماز کرده و یا از شرابخواری نهی کرده مگر آنکه با گفتن آن، غرض حاصل شود وگرنه باید خود او امر و نهی کند به طوری که عرف بگوید فلانی امر به معروف و نهی از منکر کرد مثلاً به طرف بگوید نماز بخوان و یا شراب ننوش.

احتمال تأثیر را محدود معنا نکنید!

اولاً که احتمال تأثیر در جامعه اسلامی همیشه هست و جامعه اسلامی غیر از دیگر جوامع است که حرف در گوش مسئولین آن نمی‌رود، پس نمی‌توان خیال خودمان را با توجیه اینکه کار ما تأثیری ندارد، مطالبه و عدالتخواهی را کنار گذاشت. ” بعضی گفته‌اند که باید احتمال تأثیر وجود داشته باشد. من می‌گویم احتمال تأثیر همه جا قطعی است؛ مگر در نزد حکومت‌های قلدر، قدرتمندها و سلاطین.“
بیانات مقام معظم رهبری ۲۲/۲/۷۷ و ۱۴/۲/۱۳۸۷

دوم اینکه آنچنان حضرت امام (ره) حیطة احتمال تأثیر را وسیع می‌دانند که با هیچ کلکی نمی‌توان خود را از وجوب تکلیف عدالتخواهی مبرا دانست.

پیگیری مطالبات؛ اگر با یک بار مطالبه، کار درست نمی‌شود

* اگر بداند و یا احتمال دهد که امر و یا نهی او با تکرار مؤثر می‌شود واجب است تکرار کند.

وجوب امر و نهی علنی؛ اگر فقط علنی مؤثر باشد و مسئول علناً منکری انجام داده

* اگر بداند و یا احتمال دهد که اگر در حضور جمعی او را نهی از منکر کند مؤثر می‌شود نه در خلوت، اگر فاعل کسی است که علناً گناه می‌کند واجب است او را بین جمع نهی کند و در غیر این صورت وجوب نهی از منکر بلکه جواز آن محل اشکال است.

شاید بتوان گفت که اعمال کسی که در جامعه اسلامی مسئولیت دارد - اگر اعمال مربوط به شخصیت حقیقی و فردی او را کنار بگذاریم - اعمالی هستند که علناً واقع می‌شوند و لذا شرط دوم این فتوا، همیشه برقرار است و در وجوب امر و نهی علنی مسئولین، شرط اول فتوا یعنی موثر بودن در خلوت و یا جمع را باید بررسی کرد.

با علم اجمالی به ترک معروف و انجام منکر، مصداق سازی نکنید

* اگر کسی به طور اجمال علم پیدا کند به اینکه یکی از دو یا چند نفر اصرار بر گناه دارد ظاهراً نهی از منکر واجب می‌شود، اما باید به عبارتی نهی کند که شامل مرتکب بشود مثلاً بگوید هر کس که شراب می‌نوشد باید این عمل را ترک کن و اما اینکه به یک یک آن چند نفر بگوید شراب ننوش نه تنها واجب نیست که جائز هم نیست و اگر نهی به آن طریقی که گفتیم باعث هتک حرمت آن شخص باشد ظاهراً واجب نیست بلکه جائز هم نیست.

* اگر بداند که شخصی عمل حرامی مرتکب شده و یا واجبی را ترک کرده و به طور مشخص نمی‌داند کدامیک از این دو امر مرتکب می‌شود واجب است به طور سر بسته وظیفه‌اش را انجام دهد، (مثلاً بگوید خلاف دستور خدا نکن) همچنین اگر علم اجمالی داشته باشد به اینکه یا واجبی را ترک می‌کند و یا حرامی را مرتکب می‌شود واجب است به همین نحو سر بسته وظیفه خود را نسبت به او انجام دهد.

علم اجمالی به وقوع مورد، امر و نهی اجمالی را به دنبال دارد؛ و با علم اجمالی، امر و نهی تفصیلی و مصداقی صحیح نیست. چرا که قیام به انجام کاری است بدون علم و با شرط اول در امر به معروف و نهی از منکر که علم داشتن به معروف یا منکر بودن عمل است، در تناقض است.

در امر به معروف و نهی از منکر و مطالبه‌گری‌های دانشجویی، از آنجا که دانشجو به تمامی حیطه‌ی اجرا و قوف ندارد، علم او نیز در این مورد اجمالی خواهد بود و لذا رهبر معظم انقلاب نیز در این باره توصیه می‌کنند: "گفتمان عدالت خواهی را فریاد کنید؛ اما انتقاد شخصی و مصداق سازی نکنید. وقتی شما روی یک مصداق تکیه میکنید، احتمال دارد اشتباه کرده باشید؛ من می‌بینم دیگر. من مواردی را مشاهده میکنم - نه در دانشگاه، در گروه‌های اجتماعی گوناگون - که روی یک مصداق خاصی تکیه میکنند؛ یا به عنوان فساد، یا به عنوان کجروی سیاسی، یا به عنوان خط و خطوط غلط. بنده مثلاً اتفاقاً از جریان اطلاع دارم و می‌بینم اینجوری نیست و آن کسی که این حرف

را زده، از قضیه اطلاع نداشته است." بیانات مقام معظم رهبری ۱۴/۲/۱۳۸۷

جلوتر از واقعه عمل کنید

* اگر بداند که فلان شخص تصمیم گرفته فلان گناه را مرتکب شود و احتمال دهد که اگر او را نهی کند مؤثر واقع می‌شود، واجب است نهی کند.

در بسیاری مسائل اجتماعی، از آنجا که امور ناگهانی رخ نمی‌دهد و در اجرای اعمال، فرآیندی-اعم از تصویب، تایید، قانونگذاری، برنامه ریزی، مطالعات اولیه و...- باید شکل بگیرد تا سیاستی به بروز برسد، اگر نتایج این برنامه ریزی‌ها و رویکردها به وقوع منکری اجتماعی می‌انجامد، باید امر به معروف و نهی از منکر در این مرحله انجام شود. چرا که احتمال پذیرفتن امر و نهی و تذکر در این مراحل اولیه، خیلی بیشتر از زمانی است که برنامه‌ای ریخته شده و بر اساس آن باید عملیاتی اجرا شود.

رعایت مراتب و درجات در امر به معروف و نهی از منکر

امام روح الله، امر به معروف و نهی از منکر را دارای مراتب و درجاتی می‌داند. مراتب به معنای گامها و مراحل اصلی اظهار انزجار با قیافه، گفتن با زبان و انکار عملی است. درجات نیز به مراحل جزئی‌تر درون این مراتب گفته می‌شود که شدت و ضعف دارد.

اولاً از این دسته‌بندی‌ها می‌توان کثرت و تنوعی را برداشت کرد که محتمل است در امر به معروف و نهی از منکر به کار بیاید. و لذا کارهای کلیشه‌ای و همیشه یکسان، برای امر به معروف و نهی از منکر موارد مختلف، ممکن است مبتلا به عدم رعایت این اصل باشند.

ثانیاً دانستن، علم اجمالی و احتمال دادن، باز هم در این حیطه نقش بازی می‌کند و رعایت مرتبه، به این علم بر می‌گردد. چنانکه اگر احتمال می‌دهد که در مراتب و درجات پایین، نتیجه خواهد گرفت، تجاوز از آن مرتبه و درجه جایز نیست. اگر می‌داند که با درجه یا مرتبه پایین تر، نتیجه حاصل نمی‌شود و تاثیر در مرتبه بالاتر هست، از همان مرتبه بالا شروع می‌کند و اگر علم اجمالی داشته باشد که در هر مرحله‌ای نتیجه خواهد گرفت، از مرحله پایین شروع می‌کند و در صورت عدم نتیجه مراحل بعد را امتحان می‌کند.